

## عوامل موثر افزایش امنیت اجتماعی و چالش های فراروی آن در پرتو پیشگیری خانواده مدار

سید مهدی احمدی موسوی<sup>۱</sup>

شهاب کارگر بیده<sup>۲</sup>

علی مظفر<sup>۳</sup>

### چکیده

پیشگیری خانواده مدار به معنای به کارگیری اقدامات حمایتی و پیشگیرانه در خانواده به منظور جلوگیری از بزه کار شدن اطفال و نوجوانان است. این گونه پیشگیری همانند سایر گونه های پیشگیری از جرم، ارتباط بسیار زیادی با امنیت جامعه دارد؛ زیرا اعضای خانواده بالاخص کودکان و نوجوانانی که در این محیط در حال پرورش هستند، به طور بالقوه می توانند مجرمان فردا بوده، امنیت جامعه را دچار مشکل اساسی سازند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل موثر بر افزایش امنیت اجتماعی و چالش های فراروی آن در پرتو پیشگیری خانواده مدار انجام شد. برای دستیابی به این هدف، روشی توصیفی و با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه ای، عوامل فردی و اجتماعی برقراری و افزایش امنیت اجتماعی در پرتو پیشگیری خانواده مدار و چالش های فراروی آن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان می دهد که بینش و آگاهی، تأمین نیازهای عاطفی، تأمین نیازهای جنسی، خوش خلقی، مشورت کردن، رعایت هنجارهای دینی و اخلاقی و چشم پوشی از عوامل فردی و تمایل به ازدواج (پذیرش طرفین)، حسن تدبیر در امور اقتصادی و قناعت، مدیریت روابط اجتماعی زنان و مردان، واپایش طلاق و حمایت دولت از خانواده از عوامل تأثیرگذار در افزایش امنیت اجتماعی، و تغییر در انتقال ارزش ها، کم توجهی به تربیت دینی فرزندان، کاهش روابط عاطفی، افزایش طلاق، افزایش استفاده از رسانه ها، افزایش سن ازدواج و تغییر در شیوه همسرگزینی و آداب و رسوم ازدواج از چالش های فراروی ایجاد و افزایش امنیت در جامعه هستند.

**کلیدواژه ها:** پیشگیری، خانواده، امنیت اجتماعی، عوامل، چالش ها.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان.

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی.

۳. کارشناس ارشد علوم تربیتی.



## مقدمه

از مدت ها پیش و در پی گسترش برخی ناهنجاری های اجتماعی همچون اقدامات شرارت بار در برخی صحنه ها و مزاحمت برای نوامیس مردم، وقوع صحنه های خشونت بار و تعرض افراد ماجراجو و شرور، حرکت های سازمان یافته برای گسترش مفاسد اجتماعی و دام گستردن برای کشاندن دختران و پسران جامعه به کام فساد، سرقت های مسلحانه و خیابانی، اشاعه اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، ناامن کردن اماکن تفریحی و بوستان ها و پارک ها برای خانواده ها، پدیده زنان خیابانی و ... نمودهای تازه ای از فقدان امنیت در جامعه بروز کرده است.

اگر چه ریشه بسیاری از این ناهنجاری ها را باید در مسائل و مشکلاتی چون فقر، فساد، تبعیض و شکاف های طبقاتی در بین جزیره های فقر و قطب های ثروت و همچنین پدیده ای چون بیکاری دانست و این انتظار را با تأکید مطرح کرد که دولت و مجلس برای سوزاندن ریشه های این ناهنجاری ها باید برنامه ریزی و تلاش خود را مضاعف سازد، به نظر می رسد سوزاندن ریشه ها و خشکاندن شاخه های چنین ناهنجاری هایی باید از دوران طفولیت انسان ها آغاز شده و توسط خانواده ها انجام شود تا در نتیجه این اقدام، جامعه سلامت و امنیت خود را باز یابد.

امنیت یک نیاز اجتناب ناپذیر و غیر قابل انکار است و جامعه فاقد امنیت دارای جمعیتی فاقد آرامش روحی و روانی خواهد بود. امنیت از جمله پدیده های مهم و شایان توجهی است که از نیازها و ضرورت های اساسی و پایه ای فرد و جامعه به شمار می رود و فقدان آن و یا اختلال در آن، پیامدها و بازتاب های نگران کننده و خطرناکی به دنبال دارد و تأمین و مراقبت از آن در فرایند پایایی و پایداری امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و جغرافیایی از مطلوبیت ویژه ای برخوردار است و در همین رابطه دولت ها و نظام های سیاسی، سالانه بودجه های هنگفتی را هزینه می کنند. یکی از انواع امنیت ها، «امنیت اجتماعی» است که از جایگاه و موقعیت برجسته ای برخوردار بوده، تولید و تأمین آن و همچنین پایدارسازی آن نیازمند مقدمات و زمینه های نسبتاً پیچیده ای است و آسیب پذیری و زوال آن تحت تأثیر زمینه ها و متغیرهای متفاوتی است که شناخت و معرفت بر آنها نیز ضرورتی اساسی دارد.



مفهوم امنیت در طول دهه ها و سال های گذشته و متناسب با پیچیده تر شدن روابط اجتماعی از حالت بسیار اولیه که جنبه های فیزیکی و محسوس داشت خارج شده، ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را نیز در بر گرفته است. عوامل پنهان و غیر فیزیکی امنیت روز به روز اهمیت بیشتری پیدا می کند.

برای فهم امنیت اجتماعی نیاز به آسیب شناسی اجتماعی است که آسیب شناسی اجتماعی را می توان مطالعه خاستگاه اختلال ها، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی تعریف کرد. در واقع آسیب شناسی اجتماعی، مطالعه ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی نظیر اعتیاد، طلاق، خودکشی، روسپی گری، ولگردی، رشوه خواری، زورگیری، گدایی و ... همراه با علل و شیوه های پیشگیری و درمان آنها و مطالعه شرایط بیمار گونه و نابسامان است.

منظور از شرایط بیمارگونه اجتماعی، افزایش بی رویه ناهنجاری ها و کژرفتاری ها در جامعه است. جامعه شناسان ریشه بسیاری از آنها را در خود جامعه می دانند. وقتی خواسته های فرد با انتظارات جامعه هماهنگ نباشد، ناهنجاری فرد آغاز می شود و در صورت تداوم زمینه کجروی را پدید می آورد (ستوده، ۱۳۸۲: ۸۶).

در واقع امنیت اجتماعی برگرفته از نظم در اجتماع و به معنای آرامش و انتظام است که به معنای تبعیت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزش ها و قوانینی است که اساس و قوام جامعه را تشکیل می دهند و برای ملتزم بودن افراد به قوانین، لزوم درونی شدن هنجارها و قوانین اجتماعی احساس می شود. و یکی از نهادهای درونی کردن هنجارها نهاد خانواده می باشد.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی و چالش های فراروی آن در پرتو پیشگیری خانواده مدار است. لذا برای دستیابی به این هدف، در ادامه پیشگیری خانواده مدار و رابطه آن با امنیت مورد بررسی قرار می گیرد.

### پیشگیری خانواده مدار

جرم شناسی پیشگیری شاخه ای از جرم شناسی کاربردی است که به عواملی خارج از نظام کیفری برای پیشگیری از جرم توجه می کند. به عبارت دیگر، این شاخه به تعیین و شناخت



کارآمدترین عوامل یا وسایل برای تأمین پیشگیری از جرم در سطح خرد و کلان می پردازد. پیدایش این شاخه از جرم شناسی، تحولی عظیم در راه مبارزه با بزهکاری است.

پیشگیری در یک معنای عام، عبارت است از تمامی اقداماتی که از وقوع بزه جلوگیری می کند. به عقیده شرمن، هر رویدادی که اعمال شود و نتیجه آن نشان دهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده، می تواند پیشگیرانه قلمداد شود (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۸: ۱۲۲۸). بر مبنای این تعریف شرمن، عده ای پیشگیری را اعم از پیشگیری کیفی (پیشگیری از جرم از طریق اعمال مجازات ها) و پیشگیری غیر کیفی می دانند.

عده ای دیگر از جرم شناسان (نظیر گسن) با نقد سرکوبی و غیر پیشگیرانه دانستن آن، پیشگیری را به معنایی خاص تعریف می کنند: مجموعه اقدامات غیر کیفی که هدف غایی آن منحصرأ یا به صورت جزئی محدود کردن دامنه ارتکاب جرم و غیر ممکن، دشوار و کم کردن احتمال وقوع جرم باشد. در همین راستا، یک محقق کانادایی در سال ۱۹۹۸ تعریف پیشگیری را دارای سه مؤلفه زیر دانست:

هدف اصلی آن تأثیر گذاری بر یکی از عوامل فرایند کیفی است؛

بعد جمعی دارد (پیشگیری در یک محله خاص یا...);

شامل اقدام پیشگیرانه غیر قهر آمیز و غیر کیفی است (همان: ۱۲۲۹).

به این ترتیب می توانیم تعریف آقای کوسن را در سال ۲۰۰۲ مبنا قرار دهیم:

«پیشگیری مجموعه اقدام ها و تدابیر غیر قهر آمیز است که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال و وخامت جرم، پیرامون علل جرایم اتخاذ می شود. در این تعریف اقدام پیشگیرانه اقدام غیر قهر آمیزی است که بر عوامل جرم زا اعمال می شود. در واقع پیشگیری مستلزم آن است که ابتدا علت شناسی اولیه از جرم صورت بگیرد» (همان).

ماده ۱ لایحه پیشگیری از جرم نیز تعریف نسبتاً جامعی از پیشگیری ارائه کرده است: «پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن، پیشگیری از جرم است». در مورد انواع پیشگیری تقسیم بندی های متفاوتی از منظر های مختلف صورت گرفته است. این تقسیم بندی ها فراتر از تقسیم بندی های صرف نظری هستند و به جنبه های متنوع مداخلات



پیشگیرانه اشاره دارند. یکی از انواع تقسیم بندی پیشگیری ها، تقسیم آن به وضعی و اجتماعی است. پیشگیری اجتماعی، برخلاف پیشگیری وضعی که بر موقعیت جرم زا تمرکز دارد، به مجرم احتمالی و محیط پیرامونی او می پردازد. پیشگیری اجتماعی خود به دو بخش رشد مدار و جمعی تقسیم می شود. در پیشگیری اجتماعی، تقویت سازوکارهای خودکنترلی (یا موانع اخلاقی) از یکسو، و آموختن مهارت های اجتماعی برای تعامل با دیگران از سوی دیگر، به نوجوانان آموزش داده می شود (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۸: ۱۲۳۸).

این نوع پیشگیری، با هدف قراردادن اصلاح فرد و جامعه، منجر به جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی می شود. این نوع از پیشگیری، برخلاف پیشگیری وضعی (که بزه دیده مدار و سیبل مدار است)، مجرم مدار و فردمدار است (همان: ۱۲۶۱).

فرد در ارتباط با محیط های پیرامونی خود متشکل از خانواده، مدرسه، گروه های همسالان، ساختارهای محلی و... روند جامعه پذیری را طی می کند. در صورتی که هریک از این محیط ها، کارکرد خود را به درستی انجام ندهد، و یا نقش سازنده آن، تبدیل به نقشی مخرب و منحرفانه شود، مداخله پیشگیرانه اجتماعی انحراف می تواند نقش آفرینی کرده و سازوکارهای مخرب را ترمیم سازد. بدین ترتیب انحراف زود هنگام و قابل ترمیم دوران کودکی به جرم استقرار یافته و (در بعضی مواقع) درونی شده دوران بزرگسالی تبدیل نمی شود.

برنامه های رشد مدار در صدد شناسایی عوامل خطر بزهکاری هستند تا با شناسایی آن ها مانع رشد این عوامل در کودکان و نوجوانان شوند که آنان را مرتکب انحراف، و سپس، جرم نمایند. پیشگیری رشد مدار بیش از آنکه در پی ارائه آموزش های کلی و عمومی در مورد پیشگیری از جرم به مردم باشد، بر گروه هایی از جوانان که عوامل خطر بزهکاری در آنها شناسایی شده و در معرض خطر ارتکاب جرم هستند، تمرکز دارد (پیشگیری مرحله دوم به جای پیشگیری مرحله اول).

**پیشگیری رشد مدار در صدد شناسایی موارد زیر است:**

- عوامل خطری که می تواند نشانه روی آوردن به بزهکاری در آینده باشد؛
- عوامل حمایتی که می تواند احتمال ارتکاب جرم را کاهش دهد؛



- عوامل قطع کننده که می توانند نوجوانان یا جوانان را از استمرار فعالیت منحرفانه و یا مجرمانه منصرف سازد (ترک تکرار جرم) (Crawford, 2007, 833).

در نظام های توسعه یافته و پایش جرم، در یک بازه زمانی درازمدت، مطالعاتی با نام « دوره های جنایی» بر روی نوجوانان منحرف یا جوانان بزهکار انجام می شود که در آن ها شیوه زندگی این افراد در طول سال های پس از ارتکاب بزه یا انحراف مورد مطالعه قرار می گیرد. به این ترتیب، پس از گذشت ۱۵ یا ۲۰ سال و زمانی که این افراد به سنین میانسالی می رسند، مشخص می شود که:

\* آیا انحراف دوران جوانی، آن ها را به ارتکاب جرم در میانسالی کشانیده یا خیر؟

\* چند درصد این افراد از ارتکاب جرم دست کشیده اند؟

\* چند درصد به طور اتفاقی و چند درصد گونه های دیگر به ارتکاب جرم پرداخته اند؟ پاسخ به این سئوالات با شناسایی دو دسته از عوامل همراه است: عوامل خطر (چه عواملی منجر به تکرار جرم و استمرار رویه مجرمانه شد) و عوامل حمایتی (چه عواملی منجر به قطع ارتکاب جرم شد). برای مثال مطالعه دوره های جنایی نشان خواهد داد که عواملی نظیر ازدواج، اشتغال، استفاده یا عدم استفاده از مواد مخدر و یا مواد الکلی و ... چه تأثیری بر استمرار یا قطع جرم داشته است. شناسایی عوامل خطر و حمایتی در دوره های جنایی، امکان مداخله زودهنگام نسبت به کودکان و نوجوانان منحرف (یا در معرض خطر انحراف) را فراهم می کند تا برای جلوگیری از ارتکاب جرم آنان، از الگوهای پیشگیری اجتماعی استفاده شود.

پیشگیری خانواده مدار در واقع یکی از شاخه های پیشگیری رشد مدار می باشد؛ زیرا خانواده یکی از نهادها و عواملی است که می تواند با مداخله در جریان رشد اطفال و نوجوانان تأثیر زیادی بر بازداشتن آنها از ارتکاب رفتارهای مجرمانه داشته باشد.

نهاد خانواده مانند سایر نهادهای اجتماعی دارای کارکردهای متنوعی در درون خانواده و در بیرون آن یعنی عرصه اجتماعی است. کارکرد نهاد خانواده در درون خانواده، با اثرگذاری بر اعضای خود نقش تعیین کننده ای دارد. به لحاظ اینکه ارتباطات مستقیم و چهره به چهره بین اعضای خانواده وجود دارد، تأثیر و تأثرات متقابل بین اعضاء از عمق و پایداری بیشتری برخوردار است.

خانواده اولین بنگاه جامعه پذیری است که به پرورش عاطفه فرد می پردازد و در آن فرد نسبت به سایر اعضا وابستگی عاطفی پیدا می کند. در این مرحله از جامعه پذیری اولین احساس عضویت در اجتماع طبیعی در خانواده کسب می شود. آنگاه اگر فرد میل به وابستگی عاطفی تعمیم یافته را از نظام شخصیتی کسب کرده باشد همه انسان ها را از خود می داند و در قبال همه احساس تعهد و تکلیف می کند. در چنین فضایی، پرهیز از ناامنی، اذیت و آزار و سلب آزادی دیگران و در مقابل حفظ احترام افراد هم نوع خود و تأمین امنیت اجتماعی آن، از کارکردهای عمیق و ریشه دار خانواده می تواند باشد.

بنابراین، به طور کلی پیشگیری خانواده مدار را می توان به کارگیری اقدامات حمایتی و پیشگیرانه در خانواده به منظور جلوگیری از بزه کار شدن اطفال و نوجوانان تعریف کرد.

### امنیت اجتماعی

در تعریف لغوی، امنیت عبارت از «محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید است» (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲)، در فرهنگ لغت، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن آمده است؛ به عنوان مثال در فرهنگ «معین» امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی بیمی تعریف شده است، در فرهنگ عمید ایمنی، آرامش و آسودگی (عمید، ۱۳۶۹: ۲۳۳).

امنیت در خود حامل معانی اطمینان، عدم خوف، در امان بودن و نهراسیدن است. یعنی از احساس امنیت (حالات و موقعیت های ذهنی) تا ایمنی و اطمینان خارجی (موقعیت های عینی و بیرونی) در این واژه نهفته است (موزن جامی، ۱۳۸۴: ۱۹).

امنیت از نظر لارونی مارتین عبارتست از: «تضمین رفاه آئی و از نظر جان مورز، امنیت یعنی رهایی نسبی از تهدیدات زیان بخش» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۱).

امنیت از دیدگاه آرنولد ولفرر در معنی فقدان تهدید نسبت به ارزش های مکسوب و از بعد ذهنی آن به معنی فقدان هراس از این که این ارزش ها مورد حمله و تهاجم قرار گیرند، تعریف شده است (افروغ، ۱۳۷۹: ۶۳). این تعریف با توجه به مدنظر قرار دادن مقوله ارزش به تعریف امنیت اجتماعی نزدیک تر است.



یکی از ابعاد بسیار مهم امنیت، بعد اجتماعی آن است. منظور از امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود در زمینه های شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی ایجاد کند. بنابراین امنیت اجتماعی چیزی نیست جز حالتی از آسودگی خاطر مردم از ترس، تهدید و اضطراب و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات آنان از هر گونه تهدید و تعرض مفروض (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۵).

به صورت اجمال می توان امنیت اجتماعی را چنین تعریف کرد: «امنیت اجتماعی توانایی جامعه برای حفظ هویت، منافع و ویژگی های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات و نیز توانایی ارتقا وضع اجتماعی به سمت ارزش ها و آرمان های جامعه است».

امروز امنیت اجتماعی در جامعه نه تنها به بعد فیزیکی و مادی محدود نمی شود؛ بلکه به معنای احساس آرامش و اطمینان خاطر و فقدان اضطراب و ترس است. در حقیقت امنیت اجتماعی حوزه وسیعی از گستره حیات انسان ها را در بر می گیرد و در واقع «امنیت یعنی رفع خطر و رفع خطر یعنی استفاده بهینه از فرصت؛ بنابراین باید چنین نتیجه گرفت که امنیت دارای دو عنصر اساسی تهدید و فرصت است و برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره گیری بهینه از فرصت هاست» (خلیلی، ۱۳۸۳: ۴۲۸). چنانچه امنیت اجتماعی را مانند «بوزان» به مفهوم «قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴) تعریف کنیم، انحرافات اجتماعی و جرم چه به مثابه تهدید که به عوامل بیرونی مربوط است و چه به مثابه آسیب پذیری که معطوف به یک سلسله عوامل درونی در ساز و کار اجتماعی می باشد، در هر حال می تواند عامل تهدید کننده امنیت اجتماعی محسوب شود.

جرایم به مفهوم رفتارهای ناهمخوان با ارزش های اجتماعی، مانع تحقق یکی از اهداف اساسی امنیت ملی؛ یعنی حفاظت از ارزش های بنیادی و حیاتی نظام فرهنگی هر جامعه ای است که بر حسب مفروضات و شرایط اجتماعی آن جامعه، انحرافات اجتماعی به عنوان تهدید، آسیب پذیری و با هر دو تلقی می شود؛ اما آنچه مسلم است انحرافات اجتماعی و جرایم، به عنوان سلب کننده امنیت اخلاقی و اجتماعی و کاهش دهنده اقتدار معنوی جامعه، از برخی عوامل اجتماعی درونی و بیرونی



در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نظیر اختلال هنجاری، فرآیند نوسازی سریع و شتابان، فرآیند جهانی شدن و انقلاب اطلاعاتی تأثیر می پذیرد.

هر چند ایجاد جامعه ای عاری از انحرافات و بزه تقریباً ناممکن است، مع الوصف می توان جامعه ای را بنا نهاد که در آن انحرافات اجتماعی کنترل و مهار شده است.

### عوامل مؤثر بر افزایش امنیت در پرتو پیشگیری خانواده مدار

در این بخش به بررسی عوامل خانواده مداری که سبب افزایش امنیت اجتماعی می شود، پرداخته خواهد شد. این عوامل به طور کلی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می شود که در ادامه به تفصیل بیان می گردد. این عوامل در نوع خود از شماری چند برخوردار است از جمله:

#### الف- عوامل فردی مؤثر بر افزایش امنیت

##### ۱- بینش و آگاهی

پیش از هر چیز، امنیت اجتماعی، در گرو برخورداری اعضای خانواده از بصیرت و بینش اجتماعی و نیز آگاهی های لازم برای سازندگی و پیش گیری از اختلافات و تضادها است. بی تردید، خانواده لجام گسیخته، محصول ناآگاهی اعضای آن از اهمیت خانواده و نقش آن در سرنوشت افراد آن است. ناآگاهی در این زمینه سبب می شود همسران تلاش لازم را برای حفظ زندگی مشترک نداشته باشند. در این صورت، عواملی مانند: غرورهای کاذب، توقع های نابجا، نداری، خودپسندی، بدگمانی و بی توجهی به موقعیت همسر، به زودی، بنیان خانواده را متزلزل می کند و چون انگیزه لازم برای تداوم و پاسداری از آن وجود ندارد، راهی جز طلاق و جدایی باقی نمی ماند، در حالی که ریشه بسیاری از مشکلات خانوادگی، در نشناختن وظایف و راه های برقراری رابطه و روش حل مسائل است. خوشبختانه و البته بر خلاف تصور موجود، دین آموزه های فراوانی در حوزه مهارت های زندگی دارد؛ آموزه هایی دیده یا به درستی فهم نشده اند.

به سبب جایگاهی مهم که خانواده و رضایت مندی از زندگی در تکامل معنوی انسان دارد، اولیای



دین آموزه‌های فراوانی به پیروان خود آموخته‌اند. مهارت‌های زندگی شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها هستند که قدرت سازگاری و رفتار مثبت و کارآمد را افزایش می‌دهند. در نتیجه، شخص در زندگی مشترک قادر می‌شود بدون این که به خود یا طرف مقابل صدمه بزند، مسئولیت‌های مربوط به نقش خانوادگی خود را بپذیرد و با چالش‌ها و مشکلات روزانه زندگی به شکلی مؤثر روبه‌رو شود.

## ۲- تأمین نیازهای عاطفی

مهر ورزیدن و محبت دیدن، از نیازهایی است که می‌توان تجلی آن را به صورت‌های گوناگون در همه انسان‌ها دید. تأمین نیاز عاطفی، یکی از اهداف مهم روابط زن و شوهر می‌باشد و پس از ازدواج تجلی می‌یابد. برقراری رابطه محبت‌آمیز و عاطفی میان زن و شوهر، مبتنی بر دو عامل است:

نخست، تشابه آنان در جنبه‌های روانی و جسمانی و دوم، تفاوت‌های جسمانی و روانی آنها که به ساختارهای ظاهری بدن آنها باز می‌گردد. این تفاوت‌ها موجب کشش و تمایل زن و مرد به هم دیگر می‌شود؛ زیرا تشابه و مکمل بودن نیازها، دو عامل مهم در جاذبه انسان‌ها است. ارضای نیازهای عاطفی و آرامش حاصل از آن می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات، حتی مسائلی که بیرون از چارچوب خانواده هستند، باشد.

مردان و زنان بسیاری به دلیل روابط سالم و صمیمی که در خانواده با همسر خود دارند، هر زمان که گرفتار غم و اندوه می‌شوند، در کنار همسر خود به آرامش می‌رسند.

قرآن کریم در وصف رابطه زن و شوهر در خانواده، از کنایه زیبایی استفاده و آنها را لباسی برای یکدیگر معرفی می‌نماید.

بنابراین نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده و در نتیجه افزایش امنیت اجتماعی، عاطفه و محبت اعضای آن به هم دیگر می‌باشد. البته معنای این محبت متقابل، با مفهوم عشق احساسی و آتشین، که گاه تنها مبنای ازدواج قرار می‌گیرد، فرق دارد؛ زیرا پس از مدتی این عشق به مقتضای طبیعت خود رو به زوال می‌رود و از شور و حرارت آن کاسته می‌شود و خانواده به بی‌ثباتی و گسیختگی کشانده خواهد شد. در مقابل، عشق و محبتی که بر زیرساخت‌های متقن و معقول



استوار شود و از رؤیایپردازی های کودکانه دور باشد، نقش تعیین کننده در استحکام خانواده و ارتقاء امنیت خواهد داشت.

### ۳- تأمین نیازهای جنسی

یکی از اهداف اولیه در ازدواج، تأمین نیازهای جنسی است. نیاز جنسی، کششی طبیعی و قوی در وجود انسان است که اگر به خوبی و از مسیر درست برآورده شود، به سلامت جسم، آرامش روان و افزایش پاکی و پارسایی و ازدیاد محبت و صمیمیت بین زن و شوهر منجر می شود و افزون بر این ها سبب کاهش میزان بزهکاری های جنسی و خانوادگی در جامعه شده، امنیت نسبی را پدید می آورد. از این رو، همسران نه تنها نباید از این واقعیت غافل شوند؛ بلکه ضروری است با افزایش آگاهی ها و مهارت های لازم و اهمیت دادن به این غریزه مهم و خدا دادی، به رفع لذت بخش و سالم آن بپردازند.

گاهی، تلقی این که بیان اطلاعات جنسی و اصل این رفتار، شرم آور و زشت است، باعث می شود همسران در ارضای نیازهای خود در این زمینه ناکام بمانند و این امر می تواند منشأ بروز اختلافات در خانواده شود، در حالی که در تعالیم اسلامی دیدگاه مثبتی به این روابط وجود دارد و حتی رنگ و بوی معنوی و عبادی به خود گرفته است. این امر در واقع پاسخی مناسب به لذت جویی در وجود آدمی است که می توان اوج آن را در روابط جنسی دانست. حتی در روایات به توجه انبیا به دوست داشتن زنان و روابط جنسی اشاره شده است. پیامبر اکرم (ص) نیز می فرماید:

« از دنیای شما عطر و نماز و زنان را دوست می دارم.»

برآورده شدن نیاز جنسی، حقی دوطرفه است که برای زن و شوهر - هر دو - ایجاد تکلیف می کند. مطابق ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند». بنا بر عرف جامعه، یکی از مصادیق حسن معاشرت، برآوردن نیاز جنسی همسر است که برآورده شدن نیاز جنسی در زندگی مشترک، از حقوق و تکالیف زن و شوهر تلقی شده، از مصادیق حسن معاشرت به شمار می رود و در صورت بی توجهی به آن، کانون خانواده و به تبع آن امنیت جامعه به مخاطره خواهد افتاد.



#### ۴- خوش خلقی

اخلاق در استحکام خانواده از اهمیتی ویژه برخوردار است. منظور از حسن اخلاق در اینجا، رفتارها و تعامل های مناسب در زندگی و سازگاری و مدارا با افراد است؛ زیرا پایبندی به اصول اخلاقی، نیرومندترین عامل درونی برای واپایش افراد از دست زدن به اعمال غیر انسانی به شمار می رود.

اگر همسران از فضایل اخلاقی مانند صداقت، احترام، گذشت، نرم خوئی و انصاف بهره مند باشند، به سادگی از بسیاری از تنش ها، بدرفتاری ها و خشونت ها و اختلافات ویرانگر مصون خواهند ماند؛ از این رو، اسلام از معیارهای متعدد گزینش همسر، تأکید ویژه ای بر حسن خلق فرد نموده است. در منابع اسلامی، درباره رعایت حسن خلق در خانواده بسیار سفارش شده است. قرآن کریم به مردان دستور می دهد با همسران خود به شایستگی رفتار کنند. در برخی از روایات نیز پاداش های معنوی فراوانی برای حسن خلق در خانواده بیان شده است؛ امام صادق (ع) می فرماید: «خداوند رحمت کند بنده را که رابطه خود و خانواده اش را نیکو گرداند».

در بسیاری از روایات نیز بر ویژگی های اخلاقی تأثیرگذار بر استحکام خانواده، تأکید ویژه ای شده است که از جمله می توان به امانت داری، پاکدامنی، گذشت، سخاوت و مهربانی و ویژگی های منفی مانند حسادت، بخل، ناسپاسی، فحاشی و لجبازی اشاره کرد.

یکی از مهم ترین ویژگی های اخلاقی، که نقش مهمی در پیشگیری از اختلاف و تشنج در کانون خانواده دارد، صبر و بردباری است. شکیبایی و صبر در برابر مشکلات زندگی، لازمه رویارویی و حل مناسب مشکل است.

در صورتی که همسران در برخورد با مسائل مختلف دچار تنش و اضطراب شوند، آسیب پذیری آن ها بیشتر می شود، در نتیجه، بروز اختلافات در زمینه های مختلف اجتناب ناپذیر خواهد بود. به همین دلیل، صبر از ویژگی های همسر مناسب به شمار می رود که این صبر در بعد اجتماعی نیز می تواند مفید بوده و از ارتکاب جرایم پیشگیری نماید و از این طریق موجبات افزایش امنیت اجتماعی را فراهم آورد.

#### ۵- مشورت کردن

از ویژگی های خانواده باثبات و متعادل، توجه به مشورت و کسب توافق در خانواده است. بر



اساس آموزه های اسلامی، استفاده از نظرات دیگران و گزینش بهترین راه حل در هر موضوع، مناسب ترین شیوه برای تصمیم گیری است. قرآن کریم یکی از اوصاف مؤمنان را مشورت در همه امور زندگی اعلام می کند و حتی به پیامبر اکرم (ص)، که یگانه منبع اتصال به وحی بودند، توصیه می نماید که با مردم مشورت کنند.

همراهی در امور دیگر خانواده نیز باعث تثبیت روابط مطلوب همسران خواهد شد، زیرا فرد مشورت کننده، با جویا شدن نظرات همسر خویش به نوعی شخصیت او را تأیید و حسن اعتماد خود را به وی گوشزد می کند. البته مشورت در مسائل مختلف، تنها منحصر به زن و شوهر نیست؛ بلکه بر اساس تعالیم اسلام، هر چه کودکان بزرگتر می شوند و در بعد شناختی رشد می کنند، استفاده از نظرات و افکار آنها ضرورت پیدا می کند. از سوی دیگر مشورت موجب می شود فرزندان حضور خود را در خانواده مهم دانسته و از شرکت در جمع های بزهکاری جهت اثبات خود پرهیز نمایند.

#### ۶- رعایت هنجارهای دینی و اخلاقی

بیش های دینی در کنار مسائل اخلاقی، نقش مهمی در روابط مناسب اعضای خانواده و به تبع آن امنیت اجتماعی دارد. همان گونه که در گزینش همسر، توجه به همانندی نگرش های دینی ضروری است، در زندگی نیز اگر زن و شوهر از باورهای دینی مستحکم برخوردار باشند، در تحیکم روابط اعضا مؤثر است و در مقابل، بی توجهی برخی خانواده ها به این باورها، مشکلات متعددی به دنبال دارد که قرآن کریم از آن به زندگی تنگ و سخت نام می برد. این امر می تواند در اثر ترس و اضطراب ناشی از مشکلات باشد؛ زیرا اعتقادات در زندگی عادی انسان ها نقش مهمی دارد و ترک باورهای دینی، آرامش و لذت را از زندگی سلب می کند و موجب اضطراب، حیرت و حسرت می شود، هر چند فرد مزایای مادی خوبی داشته باشد. باورهای دینی از چند بعد بر خانواده و روابط حاکم بر آن مؤثر است:

الف. تأثیر باورهای دینی بر نوع نگرش به زندگی: باورهای دینی، که مهم ترین آن ها اعتقاد به



خدا و روز قیامت است، سبب می شود که فرد به سبب امیدواری و خوش بینی به خدا، به سوی خوبی ها کشانده شود و محبت به خدا و آفریدگان او، به ویژه انسان ها، در دل او جای بگیرد. این امر سبب می شود فرد اخلاق نیک و حسنه را در تعامل خود با انسان های دیگر رعایت کند. رعایت این نکته در خانواده محبت متقابل را افزایش می دهد و رضایتمندی و ثبات خانواده را به دنبال دارد. ب. تأثیر باورهای دینی در انجام وظایف و پرهیز از تجاوز به حقوق دیگران: باور به خدا و تلاش در کسب رضایت او با انجام فرامین و دستوراتش، همه رفتارهای انسان را در زندگی خانوادگی جهت دار و متعادل می کند.

تلاش فردی که خدا را همواره ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن به خود نزدیک تر می بیند، در برخورد با دیگران، به ویژه اعضای خانواده، که از نزدیکترین افراد به او هستند، همواره، برای جلب رضایت خداست. همچنین باورهای دینی در انجام واجبات و ترک محرمات، از دو جهت به ثبات و استحکام خانواده منجر می شود:

۱) فردی که به خدا و روز قیامت معتقد است، می کوشد به همه دستورها و فرمان های الهی گردن نهد تا به ثواب آخرت دست یابد؛ زیرا بهشت تنها در سایه عمل به وظایف به دست می آید و کوتاهی در انجام وظایف و مسئولیت ها، نتیجه ای جز جهنم و عذاب های اخروی در پی ندارد. ۲) بسیاری از گناهان و رذایل اخلاقی ارتباط مستقیمی با زندگی مشترک زن و شوهر ندارند؛ ولی به یقین همه رفتارها و صفاتی که در اسلام گناه شناخته می شود، به روابط زناشویی آسیب می رساند؛ مانند روابط آزاد و اختلاط زن و مرد یا نسبت ناروای بی عفتی به دیگران که به راحتی روابط عاطفی زن و شوهر را خدشه دار می کند یا اعتیاد و شراب خواری که موجب خشونت و بدرفتاری با دیگران، به ویژه اعضای خانواده، خواهد شد.

همچنین گناهان زبانی مانند غیبت، دروغ و سخن چینی که سبب ایجاد اختلاف در خانواده ها می گردد. توجه به باورهای دینی و اخلاقی به سبب بازداشتن افراد از انجام این گناهان و نیز از جرایمی که از این گناهان ناشی می شود، مانع از بروز اختلاف و کاهش محبت میان زن و شوهر شده، از فروپاشی و سست شدن بنیان خانواده ها و نیز تهدید امنیت اجتماعی پیشگیری می کند.

## ۷. چشم پوشی

چشم پوشی به معنای دیدن عیب و نقص یا بعضی از اشتباهات رفتاری در دیگری و نادیده انگاشتن آن است. نقطه مقابل این ویژگی، شتاب زدگی در انتقام و مقابله به مثل یا تمسخر می باشد. شرایط زندگی مشترک به گونه ای است که زن و شوهر بیش از دیگران از حال و روحیات یکدیگر آگاه و زودتر از عیوب و ایرادهای یکدیگر باخبر می شوند؛ حال اگر در این هنگام، به بازگو نمودن اشتباهات و عیب جویی از یکدیگر پردازند، فضای زندگی آن ها آکنده از بی اعتمادی، بدبینی و خصومت خواهد شد. از سوی دیگر، اگر بزرگ-منشی و گذشت پیشه کنند و عیب پوشی و تغافل را به جای عیب جویی برگزینند، بیش از هر چیز کرامت و بزرگواری خود را نمایان کرده، باعث جلب محبت و احترام طرف مقابل و زمینه ساز اصلاح عیوب در او خواهند شد.

اصل تغافل (خود را به غفلت و بی اطلاعی وانمود کردن) و چشم پوشی از خطاها در تداوم زندگی مشترک، به اندازه ای دارای اهمیت است که بیشترین سفارش اسلام درباره مسائل خانوادگی، گذشت و چشم پوشی زن و شوهر از لغزش ها و کج خلقی های یکدیگر است. اگر زن و شوهر به این اصل بی توجه باشند، به زودی جو صمیمیت و آسایش حاکم در خانواده، به محیطی آکنده از اضطراب، بدبینی و عیب جویی مستمر هر یک از آنها به دیگری تبدیل خواهد شد. خداوند در قرآن کریم سفارش می کند که از خطاهای دیگران چشم پوشی کنید؛ بلکه خطای آنان را نادیده بگیرید.

## ب- عوامل اجتماعی مؤثر بر افزایش امنیت

عوامل اجتماعی مؤثر بر افزایش امنیت نیز از شماری چند برخوردار است که اهم آن به قرار زیر است:

## ۱. تمایل به ازدواج (پذیرش طرفین)

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران اجتماعی، رضایت و توافق طرفین در ازدواج، یکی از عوامل استحکام خانواده است. ازدواج اجباری، پیوند زناشویی رسمی است که در آن رضایت و اراده زن و مرد یا یکی از آنها نادیده انگاشته و برای برقراری این پیوند، از انواع فشارهای جسمی و روانی استفاده می شود (ضمیری، ۱۳۸۳: ۳۲). هر چند در فرهنگ های سنتی، اجبار دختر یا



بعضاً پسر به ازدواج با ساختارهای خاص آن جوامع همخوانی داشته، گاه حتی بهنجار تلقی می شود؛ ولی به هر حال باز هم اگر در چنین مواردی اختیار و رضایت زن و مرد در نظر گرفته می شد، به یقین، در بسیاری از موارد، خانواده از موفقیت بیشتری برخوردار می گشت. در ازدواج های اجباری، به دلیل نبود شبکه ارتباطی محبت آمیز میان زن و شوهر، معمولاً خانواده به کانون درگیری، تضاد و کشمکش بدل می شود که می تواند پیامد های ناخوشایند و جبران ناپذیری در پی داشته باشد، مانند احساس درک نکردن متقابل، ناتوانی در برقراری ارتباطی سالم و به دنبال آنها، احساس سرخوردگی، به گونه ای که تحمل یک دیگر زیر یک سقف برای آنها مشکل بوده، جدایی تنها راه رهایی به نظر خواهد رسید. بدیهی است از عواقب این جدایی می تواند انحراف برای زن و مرد و یا فرزندان آنها باشد که امنیت اجتماعی را به مخاطره می اندازد.

## ۲. حسن تدبیر در امور اقتصادی و قناعت

یکی از عوامل مؤثر در ناسازگاری و بروز اختلاف میان زن و شوهر، مسائل اقتصادی است. در مقابل، بر خورداری از حداقل تمکن مالی، نقش مهمی در شکل گیری و تداوم زندگی مشترک خانوادگی ایفا می کند. این نکته در تعالیم اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته و در برخی احادیث، بر خورداری مرد از دارایی نسبی جز معیارهای همسرگزینی قلمداد شده است. همچنین تأمین نیازهای معیشتی زن (نفقه)، از وظایف الزامی مرد و حق زن بر مرد به شمار آمده، به گونه ای که در صورت ادا نکردن این حق یا ناتوانی از آن، زن می تواند حق طلاق را به دست آورد.

## ۳. مدیریت روابط اجتماعی زنان و مردان

یکی از مهم ترین عواملی که در حفظ و تقویت علائق زناشویی و در نتیجه، تحکیم و تثبیت خانواده نقش اساسی دارد، محدود بودن روابط زن و مرد در عرصه تعاملات اجتماعی است. اختلاط زن و مرد در حوزه های مختلف اجتماعی همراه با ضعف اخلاقیات و رعایت نکردن حریم محرم و نامحرم و امکان برقراری روابط آزاد، باعث ضعف یا نبود انگیزه لازم برای تشکیل خانواده یا حفظ آن خواهد شد. بدیهی است که در محیطی که همگان می توانند انواع لذت های



جنسی را از افرادی که در محیط های مختلف شغلی، آموزشی، تفریحی و... با آنها در ارتباط هستند، به دست آورند، احتمال سرد شدن کانون خانواده و بی اعتنایی به همسر و مراعات نکردن حقوق وی به شدت افزایش می یابد؛ زیرا آزادی ارتباطات جنسی بیرون از روابط زناشویی به شیوه های گوناگون، جذابیت جنسی از زن و شوهر را برای یکدیگر تقلیل و طلاق را، که با همبستگی جنسی طرفین نسبت معکوس دارد، افزایش می دهد.

#### ۴. واپایش طلاق

به طور معمول، در جوامعی که به دلایل فرهنگی، اجتماعی یا مذهبی نگاه خوش آیندی به طلاق وجود ندارد، میزان طلاق نیز پایی است. البته نقش محدودیت های قانونی را در طلاق نیز نمی توان نادیده گرفت. در جوامع سنتی، محدودیت های فرهنگی طلاق مانند قبح طلاق در افکار عمومی و کاهش موقعیت اجتماعی فرد پس از طلاق و حتی در مواردی طرد اجتماعی و انزوای حاصل از آن، به نوعی باعث تثبیت و تحکیم خانواده می شد. در مقابل، با تبدیل شدن جوامع سنتی به جوامع صنعتی و کاسته شدن قبح طلاق، آمار طلاق نیز افزایش یافت. یکی از راهکارهای اسلام نیز در کاهش آمار طلاق، ایجاد نگرش منفی به آن است. روایات اسلامی طلاق را پدیده ای منفور و مبعوض معرفی کرده اند، مانند «هیچ چیز در نزد خداوند ناپسندتر از خانواده ای نیست که به وسیله طلاق از هم پاشیده شود».

#### ۵. حمایت دولت از خانواده

حمایت دولت و حکومت از خانواده نیز باید از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد. مهم ترین اقسام حمایت حکومت از خانواده عبارت اند از: حمایت اقتصادی، آموزشی و فرهنگی و قانونی. در حمایت اقتصادی، برنامه های دولت برای ساماندهی عمومی اقتصاد، مانند حل مشکل بیکاری، مهار تورم و...، که به طور مستقیم آثار نامطلوبی بر ثبات خانواده دارد، می تواند تا حدود زیادی مؤثر واقع شود. حمایت قانونی نیز دارای جنبه های متعددی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر استحکام خانواده تأثیر گذار است. «بخشی از مشکلات زناشویی می تواند ریشه در



کاستی های قانون گذاری داشته باشد؛ برای نمونه، تساهل بیش از اندازه دادگاه های خانواده در غرب در پذیرش درخواست طلاق، از جمله عواملی است که در افزایش میزان طلاق مؤثر بوده اند. البته چون قوانین مدنی کشور ایران برگرفته از فقه اسلامی است، می توان گفت کاستی های قانونی، سهم عمده ای در اختلالات خانوادگی ندارند. همچنین کارآمدی دستگاه پلیس و نظام قضایی در رسیدگی به شکایات و تخلفات و کنترل روابط جنسی ناسالم در اجتماع و اجرای حدود الهی و برخورد قاطع با بیبند و باری نیز زیر مجموعه حمایت های قانونی حکومت از خانواده به شمار می رود.

### چالش ها و موانع فراروی پیشگیری خانواده مدار در جهت ایجاد امنیت

#### ۱- تغییر در انتقال ارزش ها

اگر در تمامی قرن های پیشین خانواده انحصار آموزشی و انتقال حیاتی را در خود می دید، امروز دیگر چنین نیست. فرزندان، امروز از سرچشمه هایی دیگر و از جمله وسایل ارتباط جمعی بسیار چیزها فرا می گیرند. آنان کمتر تحت تأثیر والدین و به طور کلی بزرگ تر های خانه اند. زمانی نیز که بین ارزش های خانه و ارزش هایی که از طریق وسایل ارتباط جمعی ارائه می شود، تعارض رخ می دهد، به نظر چنین می رسد که قدرت غالب از آن وسایل همه گیر و همه جا حاضر ارتباط جمعی است. بنابراین، می توان گفت که خانه جدید از بزرگ ترین امتیاز سنتی خود خالی گشته است یا آنکه دست کم در برابر رقاباتی «تیز چنگ» قرار گرفته است» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۵). انتقال ارزش ها در خانواده گسترده از طریق اعضای خانواده صورت می گرفت و کانون های آموزش همچون مکتب خانه، مدرسه، مسجد در مراحل بعد بودند؛ اما در خانواده هسته ای در حال حاضر با توجه به تأثیر رسانه ها و حضور مستمر آن در خانواده، الگوهای رفتاری و ارزشی اعضای خانواده و به خصوص کودکان از رسانه هاست.

#### ۲- کم توجهی به تربیت دینی فرزندان

یکی از مهم ترین عوامل آسیب پذیری تربیت دینی نوجوانان و جوانان، به خصوص در عصر حاضر

(در خانواده هسته ای)، معلول سهل انگاری و در پی گرفتن شیوه بی تفاوتی بیش از حد خانواده ها در تربیت دینی فرزندان است. امروزه پرداختن والدین به رفع تنگناهای اقتصادی، دغدغه نان و لباس و تحصیل فرزندان، عدم استفاده از روش های صحیح آموزش و تربیت، و سستی بعضی خانواده ها در ارزش های اخلاقی و دینی، نقش نهاد خانواده را در تربیت دینی کمرنگ کرده است (محمودی و میرمقتدایی، ۱۳۸۹: ۱۶۴). حضور و شرکت در مناسک و آیین های دینی و ملی میان اعضای خانواده گسترده یک امر مهم و لازم بود و اعضای خانواده در آیین های جمعی، مشارکتی جدی داشتند، اما در میان خانواده هسته ای شرکت یا مشارکت در این مراسم کم رنگ شده است.

نمونه بارز آن را می توان در برگزاری هیئت های فامیلی مشاهده کرد. هیئت های خانوادگی در چهار دهه گذشته در منازلی برگزار می شد که دارای حیاط و مساحت لازم برای این گونه مجالس بود و دختران و پسران خانواده مشارکتی مستقیم در برگزاری این مجالس داشتند و این گونه مجالس نوعی انتقال مفاهیم دینی به فرزندان از جمله قرائت قرآن، خواندن دعا، گوش دادن به مطالب سخنران مذهبی بود. اما امروز به دلیل محدودیت مساحت آپارتمان ها و کم رنگ شدن برگزاری این هیأت هفتگی مذهبی، انتقال این مفاهیم دینی به جوانان و اعضای خانواده و بالطبع مشارکت در این گونه مجالس بسیار محدود شده است.

### ۳- کاهش روابط عاطفی

در نظام ارزشی اسلام برقراری رابطه محبت آمیز بین مسلمانان، پیوسته مورد تأکید است. این توصیه ها در خانواده و نسبت به نزدیکان شکل مؤکدتری به خود گرفته است تا علاوه بر پیوند رشته محبت زن و شوهر با یکدیگر، زیربنای استحکام خانواده قرار گیرد.

علاوه بر رابطه عاطفی زوجین، ارتباط عاطفی والدین و فرزندان با یکدیگر نیز مورد توجه است؛ به نحوی که بوسیدن پدر و مادر، فرزند را سبب افزایش درجات در بهشت می شود و از سوی دیگر، حتی نگاه محبت آمیز فرزند به پدر و مادر را عبادت می داند.

این بینش، سبب شده است تا مسلمانان همواره در جامعه و خانواده، پیوندهای عاطفی محکمی با یکدیگر برقرار کرده، یار و مددکار یکدیگر باشند و از مصاحبت با هم لذت ببرند. در فرهنگ



اسلام، خانواده کانون مهر، امنیت و ایمان است و سایه گسترده خانواده، اعضای آن را در مقابل ناملایمات روزگار مصون نگه می‌دارد و نیازهای عاطفی و روانی آنان را تأمین می‌نماید. اما ورود تفکر و فرهنگ غرب در پوشش مدرن شدن و امروزی بودن، باعث سست شدن بنیان‌های خانواده و رواج ارزش‌های مادی و سوداگرانه شده و جنبه‌های انسانی و معنوی روابط افراد را بیش از پیش متزلزل نموده و روابط انسان‌ها به صورت روابط خشک و حسابگرانه ماشینی درآمده است و پیامدهای چنین ارتباطی علاوه بر احساس عدم امنیت روانی فرزندان در سنین نوجوانی و جوانی، سبب افزایش افسردگی و یا بزهکاری در آنان می‌شود.

یکی از علل بسیار مهم کاهش ارتباطات عاطفی در خانواده، مشغله بیش از حد والدین، به ویژه مادر است؛ زیرا خستگی مفرط زن به سبب کار بیرون از منزل، سبب کاهش تعامل او با همسر و فرزندان پس از بازگشت به منزل شده و علی‌رغم میل خود، عملاً توان پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی آنان را ندارد و در دراز مدت آن‌ها را با کاهش ارتباط با یکدیگر و در نتیجه، کم شدن ارتباطات عاطفی و کمبود محبت مواجه نموده و سبب بروز سایر مشکلات می‌گردد.

#### ۴- افزایش طلاق

افزایش طلاق از دیگر تأثیرات امروزی شدن (نوگرایانه) بر خانواده است که بسیاری از کشورها را درگیر خود ساخته است. نسبت آمار طلاق به آمار ازدواج‌ها در ایران ۱۶.۳ درصد است که این شاخص در فرانسه ۵۳.۲، روسیه ۵۲.۶، نروژ ۴۹.۸، آلمان ۴۸.۸، کانادا ۴۶.۳، استرالیا ۴۱.۲، ژاپن ۳۵.۸، چین ۲۱.۲، ترکیه و اردن ۲۰.۳ درصد و ... است.

این بدان معناست که برای کشورهای توسعه‌یافته و منطقه، درصد طلاق به نسبت ازدواج‌ها در حدود ۵۰ درصد است؛ یعنی یک طلاق در مقابل هر دو ازدواج. یکی از علل مهم افزایش طلاق در جهان و نیز در کشور ما، تأثیر نوگرایی بر فرهنگ و ارزش‌های دینی است که آن‌ها را کم رنگ کرده، به عبارتی «بحران ارزش‌ها» سبب افزایش طلاق گردیده است.

بنا به گفته برخی صاحب‌نظران «در فرآیند بحران ارزش‌ها»، جامعه بر لذت‌طلبی، تمتع آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، ماده‌گرایی و ابزارگرایی استوار می‌گردد و انسان‌ها، صرفاً

به تمتع می‌اندیشند و فقط مصالح خویشتن را در نظر می‌آورند و همه چیز را در چارچوب امور مادی و حتی جسمانی خلاصه می‌کنند. در چنین شرایطی که روابط انسانی از بعد معنوی تهی می‌شود، بسیار سست، آسیب‌پذیر و شکننده می‌گردد؛ روابط ناشویی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و آمار طلاق روز به روز افزایش می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۴۳-۸۰). از دلایل افزایش نرخ طلاق می‌توان به ازدواج‌های عاشقانه، تغییر در قوانین مربوط به طلاق، افت مذهب و اعتقادات مذهبی، تغییر نگرش‌ها در مورد نقش‌های مناسب برای زنان، استقلال اقتصادی زنان، تصادم زمینه‌ها، آزادی روابط جنسی و... بیان کرد که اکثر آنها ریشه در نوگرا شدن جوامع دارند.

### ۵- افزایش استفاده از رسانه‌ها

یکی دیگر از تغییرات به وجود آمده در خانواده‌های امروزی، افزایش استفاده از رسانه‌ها و ورود فضای مجازی نظیر اینترنت و ماهواره به خانواده است که علاوه بر کاهش ارتباطات عاطفی، نقش مهم و عمده‌ای در شکل‌گیری یا تقویت افکار، عقاید و نگرش‌های جامعه ایفا خواهد کرد و افراد را به صورت انفرادی به خود مشغول کرده و آن‌ها را از تعامل با دیگران باز می‌دارد. «فرهنگ جامعه و تربیت افراد تحت تأثیر رسانه است... فرهنگ و تربیت به وسیله رسانه‌ها شکل می‌گیرد». به طور قطع، صاحبان رسانه و عوامل رسانه‌ای در این جهت می‌توانند مفیدترین بخش اجتماع باشند، چنانچه در مسیر ایجاد ادب، فرهنگ و تربیت هم ممکن است بیشترین تقصیر را بر عهده بگیرند (علاسوند، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

### ۶- افزایش سن ازدواج

در طی سال‌های اخیر، متوسط سن ازدواج در اکثر کشورها افزایش یافته؛ به طوری که افراد در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند و بدیهی است که در سنین بالاتری نیز صاحب فرزند می‌شوند. افزایش سن ازدواج نیز یکی دیگر از پیامدهای نوگرایی است؛ زیرا وقتی رفاه زندگی، که خود از پایه‌های اساسی مبانی فکری مدرنیسم است، در جامعه رسوخ نمود، ناگزیر ملاک‌های انتخاب همسر نیز بر پایه توجه به تأمین رفاه کامل در ابتدای زندگی و فراهم بودن کلیه امکانات ضروری و غیر ضروری،



شاخص گذاری می‌شود؛ بر همین اساس، توجه به دارا بودن مسکن مستقل، تمکن مالی بالا و... در رأس خواسته‌های دختر و خانواده او قرار می‌گیرد و از آنجا که درصد بسیار کمی از جوانان در ابتدای زندگی امکان فراهم نمودن چنین امکاناتی را برای همسر خود دارند؛ لذا این مسئله خود یکی از دلایل بالا رفتن سن ازدواج می‌شود. از سوی دیگر، تمایل زنان به تحصیل و اشتغال، که خود نیز متأثر از تفکرات نوگرایی است، از علل افزایش سن ازدواج می‌باشد. پدیده تأخیر در ازدواج پدیده‌ای پیچیده است که سطوح مختلف کلان و میانی و خرد و به طور کلی، تغییرات در تمام ابعاد اجتماعی در جامعه بر روی این تحول مؤثر بوده است.

#### ۷- تغییر در شیوه همسرگزینی و آداب و رسوم ازدواج

تغییر در آداب و رسوم همسرگزینی و ازدواج از دیگر حیطه‌های مورد هجوم نوگرایی است. نقش مؤثر والدین و بزرگ‌ترها در امر انتخاب همسر برای فرزندان، برگزاری مراسم جشن عروسی، توجه به رعایت قوانین و سنت‌ها در این زمینه و مشارکت دادن سایر فامیل در این مسئله، گذشته، بسیار مورد توجه بوده است؛ اما امروز اگر صرف نظر از جوامع غربی، در جامعه خود ما نیز تأثیر فردگرایی را می‌توان در تصمیمات راجع به نامزدی و ازدواج مشاهده کرد.

هم‌زمان با صنعتی شدن، شهرنشینی و نوسازی، فرزندان استقلال و واپایش بیشتری بر زمان ازدواج و نیز در انتخاب همسر به دست آورده‌اند و ازدواج‌های آنان نیز شکل جدیدتری یافته است. انتخاب همسر، که در گذشته عمدتاً از طریق پیشنهاد والدین و بزرگ‌ترها و یا وساطت شخصی دیگر صورت می‌گرفت، امروز در موارد متعددی از طریق آشنایی دختر و پسر با یکدیگر در محل کار، تحصیل و یا حتی از طریق فضای مجازی اینترنت و با شیوه چت، صورت می‌گیرد؛ حتی فراتر از آن، گاه در بعضی ازدواج‌ها نظر پدر و مادر نادیده گرفته می‌شود.

نتیجه نفی سنت‌ها و رفتارهای سنتی، که بر اساس ارزش‌های دینی و آداب و رسوم و عرف صحیح اجتماعی شکل گرفته، ایجاد شکاف میان والدین و فرزندان است که این شکاف، علاوه بر تأثیرگذاری بر ابعاد روانی و تضعیف ارتباطات عاطفی والدین و فرزندان، کاهش اقتدار والدین در خانواده را به دنبال دارد؛ در نتیجه، آنها را با مشکلات تربیتی جدی درباره فرزندان مواجه خواهد کرد.

## نتیجه‌گیری

در حقیقت، نخستین نسل از تدابیر پیشگیری کننده صرفاً توسط به‌نظام کیفری و اعمال مجازات نسبت به مرتکبین جرایم بود؛ اما با وجود اعمال مجازات‌ها حتی مجازات‌های سنگین، هرگز از میزان جرم کاسته نشد. به دلیل همین ناکارآمدی و توجه به علل فردی و اجتماعی بزهکاری، زمینه‌های تلاش برای حذف یا واپایش علل و شرایط جرم زافراهم شد و با شکل‌گیری جرم‌شناسی پیشگیری، تحولی عظیم در راه مبارزه با بزهکاری پدید آمد. پیشگیری از بزهکاری بر اساس الگوهای متفاوت به گونه‌های متعددی تقسیم می‌شود.

یکی از انواع پیشگیری، پیشگیری کنشی است که شامل تدابیر غیر کیفری پیش ارتکاب جرم و پیش از گذار اندیشه به فعل از طریق مداخله در اوضاع و احوال پیش‌جنائی می‌گردد. این گونه از پیشگیری خود به دو گونه پیش‌گیری وضعی (موقعیت‌مدار) و پیشگیری اجتماعی تقسیم می‌شود که در واقع از رایج‌ترین طبقه‌بندی‌های پیشگیری از جرم است. پیشگیری اجتماعی خود به دو قسم پیشگیری جامعه‌مدار (محیطی) و پیشگیری رشد‌مدار تقسیم می‌شود.

پیش‌گیری رشد‌مدار در صدد این است که تا با استفاده از یکسری اقدامات و فعالیت‌هایی که در جامعه پذیرایی کودکان مؤثر است، شرایط نابسامانی را که طفل در آن دچار مشکل شده است، بهبود بخشد. این هدف با شناسایی عوامل خطر و اجرای یک سری از برنامه‌ها با شرایط خاص عملی می‌شود. این برنامه‌ها تحت عنوان عوامل حمایتی نمود پیدا می‌کند که این برنامه‌ها در مورد اطفالی به کار می‌رود که در واقع در معرض خطر قرار گرفته‌اند.

امروز با توجه به تغییراتی که در ساختار خانواده در پی مواجهه با اثرات جهانی شدن ایجاد شده است موجب شده است که توجه همگان به این نهاد اجتماعی معطوف گشته و گام‌هایی در راستای همسویی خانواده با ساختار و ارزش‌های نوین اجتماعی و تحقق آزادی‌ها و حقوق فردی در خانواده و جامعه برداشته شود، به این امید که در نهایت به آرامش و ارتقاء امنیت افراد در حوزه‌های مختلف و تعادل اجتماعی منجر گردد.

پیشگیری خانواده‌مدار به معنای به‌کارگیری اقدامات حمایتی و پیشگیرانه در خانواده به منظور



جلوگیری از بزهکار شدن اطفال و نوجوانان است.

این گونه از پیشگیری همانند سایر گونه‌های پیشگیری از جرم، ارتباط بسیار زیادی با امنیت جامعه دارد. در واقع، یکی از ابزاری که در مطالعات جرم‌شناسی برای مقابله با انحراف و جرم مطرح شده است، جرم‌شناسی پیشگیری است. بنابراین در مطالعات جرم‌شناختی، تأمین امنیت اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد، چرا که همه مکاتب این علم برای ایجاد امنیت در جامعه و جلوگیری از وقوع و یا تکرار جرم نظریه پردازی کرده و راهکارهای پیشگیرانه‌ای را مطرح نموده‌اند. در برقراری و ارتقاء امنیت اجتماعی همواره عواملی دخیل هستند که باید مد نظر قرار بگیرند. در بحث پیشگیری خانواده‌مدار نیز عواملی وجود دارند که در ایجاد و ارتقاء امنیت اجتماعی نقش اساسی بازی می‌کنند. این عوامل را می‌توان به عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر افزایش امنیت تقسیم نمود. از عوامل فردی مؤثر بر افزایش امنیت می‌توان به بینش و آگاهی، تأمین نیازهای عاطفی، تأمین نیازهای جنسی، خوش خلقی، مشورت کردن، رعایت هنجارهای دینی و اخلاقی و چشم‌پوشی اشاره نمود و از جمله عوامل اجتماعی مؤثر بر افزایش امنیت عبارتند از: تمایل به ازدواج (پذیرش طرفین)، حسن تدبیر در امور اقتصادی و قناعت، مدیریت روابط اجتماعی زنان و مردان، واپایش طلاق و حمایت دولت از خانواده.

بدیهی است در برقراری امنیت در یک جامعه، همواره مشکلاتی وجود دارد. چالش‌ها و موانع فراروی پیشگیری خانواده‌مدار در جهت ایجاد امنیت نیز از موضوعاتی است که همواره باعث ایجاد دغدغه برای مردم و مسئولان شده است. از مواردی که می‌توان در رابطه با بحث حاضر به عنوان چالش و مانع مطرح نمود، تغییر در انتقال ارزش‌ها، کم‌توجهی به تربیت دینی فرزندان، کاهش روابط عاطفی، افزایش طلاق، افزایش استفاده از رسانه‌ها، افزایش سن ازدواج و تغییر در شیوه همسرگزینی و آداب و رسوم ازدواج می‌باشد.



## منابع

## الف) کتاب:

۱. افروغ، عماد (۱۳۷۹). نگرش دینی و انتقادی به مفاهیم عمده سیاسی، تهران: مؤسسه فرهنگ دانش.
۲. وزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولتها و هراس، ترجمه پژوهشگرده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشگرده مطالعات راهبردی.
۳. حر عاملی (۱۳۷۶). وسائل الشیعه، تحقیق و تصحیح: الشیخ عبدالرحیم الربانی الشیرازی، تهران: چاپخانه اسلامی.
۴. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم.
۵. ستوده، هدایت ا. (۱۳۸۲). آسیب شناسی اجتماعی: تبیین و دیدگاه‌ها، تهران: آوای نور.
۶. عمید، حسن (۱۳۶۹). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲). بحار الانوار، تحقیق و تعلیق: سید جواد علوی، تهران: دارالکتب سلامیه.

## ب) مقاله:

- خلیلی، رضا (۱۳۷۸). مطالعات پایه: تحول تاریخ - گفتمانی مفهوم امنیت، مطالعات راهبردی، شماره ۲۳.
- صدیق سروسستانی، رحمت اله (۱۳۸۵). امنیت اجتماعی، شهرنشینی و بوم‌شناسی هراس، مجموعه مقالات همایش بررسی نقش روان‌شناسی، مشاوره و مددکاری اجتماعی در تامین و توسعه امنیت روانی - اجتماعی، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- علاسوند، فریبا (۱۳۸۳). جستاری در آسیب‌شناسی حضور زن مسلمان در رسانه، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۳۸.
- مؤذن جامی، محمد هادی (۱۳۷۸). نقش مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش نظم و دانش، معاونت اجتماعی ناجا.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۸). پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله امنیت.